

جستاری در جنگ شاملو

فاطمه طالقانی اصفهانی

در آمد و مبدأ آنان از آسیای صغیر (شام) بوده است، شاملوها بوده اند. اسکندر منشی معتقد است که:

«طایفه شاملو معظم طوایف قزلباش است و به قدمت و خدمت و حقوق و جان سپاری از همه در پیش و سردفتر اویماقات (شعبه ای از یک ایل) قزلباش هستند و در زمان خاقان جهان ستان و ظهور این دولت و خاندان و اوایل جلوس همایون حضرت شاه جنت مکان افراد بزرگ و خاقان علی شأن در میان طایفه شاملو بوده اند.» (۳/ص ۷۸)، که مرتضی قلی خان شاملو یکی از این شخصیت هایی است که به معرفی آن خواهیم پرداخت.

مرتضی قلی شاملو، متخلص به «ظفر» فرزند حسن خان شاملو، شاعر و نویسنده قرن یازدهم از امرای صفوی و حاکم هرات بوده و در خدمت شاه صفی صفوی از افراد حکام و عظیم الشان مزیت داشته است. وی در شجاعت و سخاوت و خوشنویسی و دیگر فضایل از اقران، عزامتیاز داشته و از شکسته نستعلیق نویسان ماهر بوده است.

او از اعظام ایل شاملو به حساب می آید و به روزگار شاه صفی به علت شجاعت و مردانگی که در قلعه ایروان از او سرزرد، ایشیک آقاسی دیوان (داروغه دیوان خانه) شد.

در ایام نواب صاحبقران شاه عباس ثانی، پس از قتل جانی خان به مرتبه قورچی باشی گری (رئیس سلاح داران) سرفراز آمد و ولایت کرمان تیول او گردید. چندی به سعایت مفسرین و به سب حرکت بی جایی که اعدادر محاربه قزوین قزلباش به او اسناد کردند، معزول شد و مدتی منزوی بود، تا شاه عباس بر سر شفقت آمد و وی را متولی آستانه منوره شاه صفی الدین اردبیلی - فرزند سلطان سیدجبرئیل که شاهان صفوی نام و نسب خود را از او گرفته اند - کرد. (۴/ص ۷۳؛ ۵/صص ۲۳-۲۴؛ ۶/ص ۱۱۴؛ ۷/

آنچه در این مقاله به محضر اهل ادب و علاقه مندان فرهنگ ایران زمین عرضه می شود، معرفی کوتاه «جنگ مرتضی قلی شاملو» است.

جنگ مرتضی قلی شاملو در زمان شاه عباس دوم در سال ۱۰۶۹ هـ. گردآوری شده و حاوی ۱۰۸ یادداشت شعری و ادبی خود از شاعران و نویسندگان دیگر نقل کرده اند.

بنابراین، این جنگ به لحاظ تفاوت در رسم الخط و شیوه کتابت مرسوم در قرن یازدهم هجری اهمیت دارد و از نظر نسخه شناسی، مجموعه ای کم مانند در زبان فارسی است. بررسی این جنگ نشان می دهد که مطالب آن شامل مباحث عرفانی و حکمی، احادیث، حکایات، پند و اندرز، مسایل هندسی نجوم، پزشکی و اشعار است و به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق نگاشته شده است.

این مجموعه دارای ۳۶ رساله ناشناس و ۶۳ اثر از نویسندگان و شاعرانی است، که اسامی آنها در این جنگ ذکر شده است.

نگارنده پس از تحلیل دقیق از شیوه کتابت این جنگ، ویژگی های املائی از جمله رسم الخط، نقطه گذاری حروف و دیگر نشانه های مربوط را بیان کرده است.

یادآوری می شود این جنگ به خاطر تنوع رسم الخط تحریری، شخصیت گردآورنده آن، وضعیت تاریخی و فرهنگی دوره صفویه اهمیت دارد.

داشتند. بعضی از امان که در هرات بیگلربیگی (استاندار، حاکم کل) بودند، عرصه های فرهنگی عمرشان را گاه به درستی می شناختند و خود نویسنده بودند، شعر می گفتند و خوش می نوشتند و انجمن ادبی برپا می کردند و به شاعران و منشیان و خوش نویسان تعلق خاطر بروز می دادند و در زمینه مجموعه سازی فرهنگ، بر پایه درک نسبی زمان و دریافت خویش اهتمام می کردند. در لابه لای اشارات و عبارات متون، نشان چندین مرقع، جنگ و بیاض از سده های دهم هجری را می بینیم که می توان با بررسی آنها به پسندهای فرهنگ ادیبان و خوش نویسان آن عصر، بیشتر پی برد. (۲/ص ۳۷۱)

اولین گروه از ترکمانان که به خدمت خاندان صفوی

دوران صفوی دوره مساعدی برای زبان و ادب فارسی در ایران نبود، با این حال بر اثر توجهی که در قلمرو دولت عثمانی و به وسیله امیران ترک و مغول آسیایی مرکزی به ویژه همت فرمانروایان هند و فرمانگزارانشان در سرزمین شبه قاره هند به پاریسی و پارسی گویان می شده، سده های دهم و یازدهم و دوازدهم هجری را یکی از بهترین دوره های رواج ورود این زبان در آسیا می توان دانست و طبعاً همین امر به فراوانی نوشته ها و سروده های نویسندگان و شاعران یاری بسیاری کرد و باعث شد که دوران صفوی یکی از بارورترین دوره های تاریخ برای ادب فارسی شود. (۱/ص ۴۲۲)

شاملوها چه در خراسان و چه در آذربایجان با شعر و ادب و فرهنگ عهد تیموری و ایلخانی، آشنایی

۲- دیوان شعر: در تذکره نصرآبادی (ص ۲۳) دیوان او نزدیک به چهار هزار بیت ذکر شده است، اما او در این جنگ (ص ۶. هامش) شمار بیت های خود را قریب به بیست هزار بیت یاد می کند و خود را با دو تخلص «مرتضی» و «ظفر» معرفی می کند.

۳- ظفریه: گزیده ای از گوهر مراد ملا عبدالرزاق کاشانی لاهیجانی است، درباره:

خودشناسی - خداشناسی - فرمان شناسی -

سلوک باطن - قطعات خوش نویسی - کلیات

- مناجات خواجه عبدالله انصاری هروی به نظم، با دیباچه ای به نثر: که در آن از خود مانند همه جا به مرتضی قلی، متولی درگاه شیخ صفی اردبیلی یاد می کند و در آن سخنان پیرهرات را به نظم درآورده است.

- ترجمه «و یا سامع الدعاء» به نظم با دیباچه ای به نثر ب: اثر چاپی

بخیه یا خرقة: درباره بهداشت و آموزش های جنسی است و نام کتاب و سربندهای به کاررفته در آن، از اصطلاحات متداول دوزندگان گرفته شده است.

معرفی و مشخصات نسخه

جنگ مرتضی قلی، دومین نسخه از مجموعه نسخ ارزشمند کتابخانه دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به شمار می رود که سال ۱۳۷۲ توسط باقر ترقی به کتابخانه مذکور معرفی و اهدا شد و بعد از آن احمد منزوی در مجله کلک به شماره ۴۷ و ۴۸ فهرستی از آن منتشر کرد و در سال ۱۳۸۳ شمسی، نسخه برگردان آن از روی نسخه خطی شماره ۱۵۰۰ این کتابخانه به صورت فاکسیمیله چاپ شد.

به گمان احمد منزوی، جنگ مرتضی قلی، نسخه ای منحصر به فرد بوده است، اما نگارنده پس از پیگیری های فراوان در شهرهای قم، اصفهان و تهران متوجه شده، که نسخه دیگری از این جنگ در کتابخانه مدرسه عالی مطهری به شماره ۲۹۳۱ موجود است.

ویژگی های نسخه دایرةالمعارف

خط: نستعلیق خوش و گاهی شکسته نستعلیق، راسته و چلیپا، سده یازدهم،

جلد: تیماج مشکلی زرکوب، عنوان و نشان: شنگرف و گاهی زرشکی. تعداد صفحات: ۳۵۳، تعداد

سطور: یکسان نیست. اندازه روی صفحه ها ۱۸/۵ × ۳۱/۵ سانتی متر و بیرون صفحه ها ۲۴ × ۳۸ سانتی متر است. اندازه: رحلی، مالک:

ناظم الدوله

ویژگی های نسخه سپهسالار (مدرسه عالی مطهری)

خط: نستعلیق، راسته و چلیپا، سده یازدهم، جلد:

تیماج قهوه ای با جدول و کمند، عنوان و نشان: شنگرف، تعداد صفحات: ۳۵۶، تعداد سطور:

۱۹ عدد، اندازه: ۲۶ × ۴۱/۵ سانتی متر، مالک:

اعتضاد السلطنه

تصرفات و آسیب ها

دست خود تفسیر بیضاوی را نوشته ام و یقین می دانم عنقریب به بهای ارزان فروخته خواهد شد.

آغاز: رزقکم الله التخلی من صفات الناسوتیه... مسموع شد، که مدتی در بیماری و آزار گذشته (ص ۹-۱۵)

۵- نامه که بایستی از همان فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق) به همان ملا عبدالرزاق لاهیجانی (د ۱۰۵۱ ق) باشد. نامه ای است عرفانی در سیر و سلوک، آمیخته به نظم، آغاز: بدان خدایی که دعوت و حدت او از هر صفتش هزار برهان است (ص ۱۹-۱۶).

۶- نامه از «علامی فهامی مولانا محمد محسنا به نواب مستطاب خانی» که بایستی همان فیض کاشانی باشد. چه در آن از مثنوی خود «شراب طهور» یاد می کند. پاسخی است به نامه کسی که نامه او حاوی غزلی بوده است، که شاید مرتضی قلی خان باشد. آغاز: به سلامت و عاقبت و به انجام مهمات مبارکه مقوضه موفق و مهتدی باشند (ص ۱۹-۲۰). ۷- نامه از شیخ بهایی (د ۱۰۳۰ ق) به ناشناس، که از وی «سلطان المتألّهین» یاد می کند.

نسخه هایی دیگر از این نامه در دست هست، که وی را میرزا ابراهیم همدانی یاد کرده اند. نامه ای است عرفانی، که سروده هایی از «نان و حلواهی خود (اندرین و برانه پروسوسه... این وطن مصر و عراق و شام نیست) را در آن آورده است. آغاز: باغایب عن عینی لاین بالی... جانا سخت گرچه معما رنگ است (ص ۲۱-۲۶).

۸- مطایبت های اخلاقی (ص ۳۲-۷۲). ۹- ذکر بعضی علامت های حضرت مهدی عج و ظهور ایشان (ص ۲۶-۳۲).

۱۰- بهرامشاهی. از میرسید علی همدانی (۷۱۳-۷۸۶ ق). درباره منازل ششگانه سفر ایشان، از صلب پدر تا بهشت یا دوزخ. آغاز: تا مهندسان کارگاه تقدیر، نقوش صور الوان بر صفحات الواح وجود (ص ۷۴-۸۱)

۱۱- ترجیع بند از عزتی. ترجیع: برگشته راه غلطم، طالب غفران - باید نظری تا برم این راه به پایان. در ۶۵ بیت. در پایان آن آمده: بی پاس ادب لب مگشا، عزتی اینجا - در عین فنا باز چه اظهار وجود است. (ص ۸۳-۸۲)، سپس قصیده از همو. آغاز: به حکمت آنکه صدف را در از سحاب دهد (ص ۸۳-۸۴).

۱۲- قصیده از «میرزای صفوی». در آن «مرتضی خان» ستایش شده است. آغاز: چه تقدیر سازم غم دلستان را - به خوناب حسرت بشویم دهان را (ص ۸۴).

۱۳- ترکیب بند «من کلام شاهدالحسینی قدس سره». آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم - قبضه شمشیر طلسم قدیم (ص ۸۵)، سپس قصیده از غیاثا، خواجه حسین سنایی، شیخ ناصر، ابوالمفاخر رازی سنایی.

۱۴- عشقنامه. از شاه داعی شیرازی، نظام الدین محمود (۸۱۰-۸۷۰ ق) ششمین مثنوی از «سته داعی» اوست، در پیرامون ۱۶۸۰ بیت، که در چهل سالگی به سال ۸۵۶ ق سروده است. در مراتب

□ مرتضی قلی شاملو، متخلص به

ظفر، فرزند حسن خان شاملو،

شاعر و نویسنده قرن یازدهم از

امرای صفوی و حاکم هرات بود.

وی صاحب «جنگ مرتضی قلی

شاملو» است و در شجاعت و

سخاوت و خوشنویسی سرآمد بود

و آثار متعددی نیز از خود به یادگار

گذاشته است.

نسخه موجود در دایرةالمعارف، اشعار و نوشته های تکراری دارد. بعضی صفحات سفید و اوراق از هم پاشیده و قسمتی از مطالب این جنگ، نامرتب و به هم ریخته است. مثلاً ادامه مطلب صفحه ۲۴۳ نسخه در صفحه ۲۳۱ نسخه، یا ادامه متن صفحه ۲۵۸ نسخه در صفحه ۲۴۳ نسخه آمده و... که این تکرار مطالب، سفید بودن صفحات، به هم ریختگی و پریشیدگی در نسخه مدرسه عالی مطهری دیده نمی شود و نوشته ها نظم خاصی دارد. اکنون بر دایره به جزء جزء این جنگ:

۱- مقدمه از محمد صفی کتابدار (ص ۲-۶). آغاز: بسم الله مجریها و میرسیها. لالی حمد بی قیاس قادری را رواست.

۲- نامه از عبدالباقی تبریزی به میرزا ابراهیم همدانی (ص ۷-۸) نامه ای شخصی، ادبی که به مناسبت درباره «ابراهیم» سخن می گوید. آغاز: به حق بیت و به حق صاحب بیت و به حق دل شکسته.

۳- نامه از میرداماد، میرمحمدباقر (د ۱۰۴۱ ق) به «یکی از فضلالی عصر خویش». در آن با عتاب می گوید: «سخن من فهمیدن هنر است، نه با من جدل کردن و مباحثه نام نهادن»

آغاز: عزیز من، جواب است نه جنگ است، رحم الله من عرف قدره... نهایت مرثیه بی حیایی است که نفوس معطله (ص ۸-۹).

۴- نامه از «مولانا فیض دامت ظله» که بایستی فیض کاشانی (د ۱۰۹۱ ق) باشد. به «آخوندی فیاض دامت برکاته» که بایستی ملا عبدالرزاق فیض لاهیجانی (د ۱۰۵۱ ق) باشد. هرچند این دعا با تاریخ کتابت (۱۰۶۹) درست در نمی آید نخست از بیماریش می پرسد، و در پایان غزلی پیشکش او می کند. با سر آغاز: به یاد سزل سلمی بر اتلال و دمن گردم و در میانه مسایل عرفانی و پند و اندرز: به

عشق، در ۱۴ «سخن» آغاز: از ازل گر گوش داری تا ابد - بشنوی از هر زبان حمد احد (ص ۹۲-۱۰۵) ۱۵- وصف تالار: از صابر. که در میانه گوید: بیا «صابر» از حد میر گفت و گوی - مبر پیش دریای عمان سبوی. مثنوی است در ۸۰ بیت در وصف تالارخان. در پایان گوید: از ایشان ز تاریخ کردم سؤال - به من گفت آن پیر فرخنده حال. چو دلگیر گشتی بگو این چنین - بود خانه ای همچو خلد برین. آغاز: شبی با خود گفت و گو داشتم - بیان سخن سوی او داشتم. (۱۱۲-۱۱۳)

۱۶- ترجمه یا سامع الدعاء به نظم از همان مرتضی قلیخان شاملو. مخمس مناجات حضرت علی (ع) است (یا سامع الدعاء، یا رافع السماء)، در ۲۹ مخمس، به ترتیب الفبایی، از الف تا یاء که هر بیت متن را با دو بیت ترجمه گزارش گونه کرده است. با دیباچه ای به ثر، که در آن نام خود را آورده و این که متولی درگاه شیخ صفی است، این مخمس را به سال ۱۰۶۸ ق ساخته است. آغاز بسم الله الرحمن الرحیم - مطلع آیات کلام کریم. این مخمس ترکیبی است در مناجات. بنده درگاه... مرتضی قلیخان متولی سرکار... یا رب بشنو دعای مظلومان را - ای کرده بلند رفعت ایوان را. (ص ۱۱۷-۱۲۱ چهارستونی).

۱۷- ترجمه مناجات حضرت علی (ع): لک الحمد یا ذا الجود و العلی. ترجمه منظوم، گویا از همان مرتضی قلیخان. (ص ۱۲۰-۱۲۱).

۱۸- تصحیح بوستان سعدی. کوتاه از همو. با دیباچه ای کوتاه به ثر، که در آن می گوید اشعاری که دال بر تشیع سعدی است، بسیار است... سعدی در گذشت و «بوستان» او پس از مرگ به دست سنی متعصبی گرد آمد و آن را به دلخواه خود دست برد. تا ملهم الصواب رفع این غایله فرمود، به ترتیبی که سعدی در نظر داشته انشاء کرد اکنون بر همه کس لازم است که کتاب «بوستان» خود را حک و اصلاح و بدین ترتیب کند. آغاز: بر ارباب بصیرت و ذكاء مخفی و مستور نماند، که اشعار دال بر تشیع شیخ سعدی بیشتر از آن است که... یکی مشکلی برد پیش علی - که تا مشکش را کند منجلی (ص ۱۲۶-۱۳۲ چهارستونی).

۱۹- شرح قصیده سریانی: شرح قصیده ربوبیه. متن دعایی است منظوم به روایت ابن عباس، که گفته شده از سنوره ای از «زبور» بیرون کشیده شده، به زبان عربی درآمده است. با سرآغاز: انالموجود. فاطلمنی تجدنی... ترجمه شرح گونه آن از ضیاء الدین نخشبی بدایونی (د ۷۵۱ ق). نسخه های آن با یکدیگر جدایی هایی دارند. نسخه در دست با «دیباچه ای به ثر است، در خواص جادویی خواندن این منظومه. که در آن نامی از نخشبی نیامده است. سپس هر بیت از متن عربی به دو بیت ترجمه گزارش گونه ای آمده است. آغاز ترجمه: منم موجود ای طالب کجایی - چرا در حضرت مادر نیایی (ص ۱۳۲-۱۳۴ چهارستونی).

۲۰- ترجمه قصیده برده. متن از بوسیری، محمد

□ نسخه جنگ مرتضی قلی خان در کتابخانه دایرة المعارف بزرگ اسلامی، اشعار و نوشته های تکراری همراه با بعضی از صفحه های سفید و قسمتی از مطالب نامرتب و به هم ریخته دارد. اما در نسخه موجود در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری این پیریشانی دیده نمی شود و نوشته منظم است.

(۶۹۴ ق). ترجمه از محمد شهرت حافظ شرف، که در ۸۱۰ ق به فارسی در آمده است. نسخه های آن بسیار است. آغاز: امن تذکر جبران بدی سلم... ای زیاد صحبت یارانت اندر ذی سلم - اشک چشم آمیخته با خون روان کشته بهم.

۲۱- ترجمه قصیده: فرزدق. از عبدالرحمان جامی (۸۱۷-۸۹۸ ق) با دیباچه ثری که در آن انگیزه سرودن فرزدق قصیده را آورده است. متن قصیده در ۲۰ بیت، و ترجمه شرح گونه آن در ۸۷ بیت. نسخه های آن بسیار است. آغاز: پور عبدالملک، به نام هشام - در حرم بود، با اهالی شام - می زد اندر طواف کعبه قدم (ص ۱۴۱-۱۴۳ چهارستونی).

۲۲- نکته ای چند متعلقه به ایمان» به سربندهای نانوشته: شاید «ای عزیز یای ای درویش» باشد (ص ۱۴۲-۱۷۷).

۲۳- خواص چهارده نام از خداوند (ص ۱۷۸-۱۸۱).

۲۴- فالنامه قرآنی به روایت از حضرت جعفر صادق (ع) (۱۸۱-۲۰۴).

۲۴- کیفیت استخاره به روایت حضرت علی (ع) (ص ۲۰۵-۲۰۶).

۲۵- کرامیه سفرچی از روزگار شاه طهماسب (۹۳۰-۹۸۴ ق) در شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ ق).

در موسیقی، چاپ شده است. در نسخه در دست نام نگارنده و کتاب و مهذوبه نیامده است. تنها از خود به «سرگشته دی نامرادی» یاد می کند. گفتاری است در ۳ «اصل» و «فصل» هایی.

۱- دوازده مقام، ۲- شعبات، ۳- در آوازه و مقامات. سپس فصل هایی بی شماره: فصل در بیان هفده بحر اصول. در بیان شد که استادان خوانند.

در کواکب معلومه دوازده بروج که هر مقامی به کدام بروج تعلق دارد. آغاز: ای بلبل جان نغمه سرا از غم تو - چون دایره، دل بی سر و پا از غم تو... حمد و سپاس و ستایش بی قیاس پادشاهی (ص ۲۰۶-۲۳۰).

۲۶- رساله در موسیقی. ناشناخته. در ۱۷ «فصل» ۱- در مبادی این علم، ۲- در تقسیم دستان ها و تعریف ابعاد، ۳- در بیان پرده ها ۴- در معرفت آوازه ها، که آن شش است، ۵- در معرفت آن که ابریشم چند بانگ است، ۶- در دانستن نسبت پرده ها بابر و ج، ۷- در نسبت پرده ها به کواکب، ۸- در نسبت پرده ها و استخراجش، ۹- در معرفت ایقاع اصول، ۱۰- در دانستن آن که پیش هر کس پرده باید نواخت، ۱۱- آن که هر پرده را که زیادت تیزکنی و یا نرم سازی چه حاصل می شود، ۱۲- در معرفت نواختن سازها، پرده ها که مناسب وقت باشد، ۱۳- در معرفت آن که پیش هر قومی کدام پرده باید نواخت، ۱۴- در دانستن آن که در شبانه روز، هر وقت کدام پرده باید نواخت، ۱۵- در نسبت پرده ها به اقالیم، ۱۶- در معرفت تأثیر نغمات در طبایع، ۱۷- در معرفت سماع و آنچه بدو منسوب باشد، در هفت «قسم»: ۱- تعریف حواس خمس، ۲- تعریف سماع، ۳- آداب سماع، ۴- احکام و حقیقت سماع، ۵- وجد و وجود و مراتب آن. آغاز: حمد و ثنا و درود و سپاس مر خداوندی را که آدمی را از جمله مخلوقات برگزید... اما بعد، بر ضمیر انوار ارباب دانش مخفی نماند که علم موسیقی (ص ۲۱۰-۲۱۴ و ۲۳۷-۲۴۱).

۲۷- تشخیص فراسخ جمیع عالم (ص ۲۱۵-۲۱۶).

۲۸- من العجایب المرموزه. خواص اشیاء است، آغاز: هر که موی سر آدمی در پیش خود دود کند، تیز حفظ شود. (ص ۲۱۵-۲۱۸).

۲۹- بازنامه. از ناشناس. گزیده از رساله ای بزرگتر است، در بازداری، تنها درمان ها را در بر دارد. در ۲۵ «باب»: ۱- در علاج بازی که در گلوی او خوره پیدا شود، ۲- در صفت بازی که باد گرفته باشد، ۳- در صفت بازی که تنک شود دمش، ۴- در علاج بازی که بیمار بود، که پارسایان آن را اسطارم گویند، ۵- در صفت بازی که چشمش آمیخته باشد، ۱۰- در صفت بازی که کوفتی بدو رسیده باشد، ۱۵- در صفت بازی که با در رسیده باشد، ۲۰- در صفت بازی که شیخ (شپش) افتاده باشد، ۲۵- در صفت بازی که پره ای او کج بود. آغاز: منتخب از رساله بازنامه در صفت علاج باز (ص ۲۱۸-۲۲۲).

۳۰- کنز الرموز، از ناشناس که می گوید «این رساله ای است مشتمل بر خلاصه اقوال علما و حکماء» در ۱ «فصل» و یک «خاتمه». آغاز: حمدله، صلاه. اما بعد، این رساله ای مشتمل بر خلاصه اقوال (ص ۲۷۲-۲۲۴).

۳۱- آبستنی و باه. از حکیم مظفر شفاوی اصفهانی،

مظفر بن محمد حسینی، از پزشکان روزگار شاه عباس یکم (۹۹۵-۱۰۳۷ ق). به نام اعتمادالدوله العلیه قاضی جهان. در یک «مقدمه» و سه «مقاله». مقدمه: در بیان آن که امر بیه ضروری است. مقاله: ۱- در تشریح اعضای تناسل، در ۳ «باب» ۲- در امر بیه، در نه «باب» ۳- در حبل، در هفت «باب». آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم - هست اعانت ز علیم حکیم. حمد بیحد خالقی را که خلقت انسان کامل را به حکمت بالغه (صص ۲۲۴-۲۲۹ و ۲۴۲-۲۵۷)

۳۲- سلطانیه. کوکبی بخارایی، نجم الدین. موسیقیدان زنده در ۹۲۸ ق. که «سلطانیه» را به نام عبیدالله خان ازبک، در ۹۱۵ ق. ساخته است. در دیباچه نسخه در دست، از خود و ربیاله و عبیدالله خان نام برده است. جز آن که همه نشانی ها گواه بر آن است که همان «سلطانیه» است. در ۱۲ «مقام» و یک «خاتمه».

مقام ۱- در شرف علم موسیقی، ۲- در بیان معنی موسیقی و نغمتین، ۳- در تعریف نغمه، ۴- در تعریف بعد و جنس جمع و ملایمت و منافرت آنها، ۵- در بیان پرده های اصلی، که ۱۲ است. ۶- در نسبت آوازها و شعبات، ۷- در بیان مرکبات، ۸- در تعریف نقره، تعریف و ماهیت خروف، ۹- در تعریف ایقاع، ۱۰- در ادوار الضرب، ۱۱- در تقسیم تصنیف اضافی که به حسب اجزاء از هم ممتازند، ۱۲- اقسامی که به حسب اصول از هم جدایند. خاتمه در رعایت حالات و تعیین اوقات و تاثیر نغمات. آغاز: حمد بیحد و ثنای بیحد حکیم کارسازی را که سازگار عشاق (صص ۲۳۰-۲۳۷).

۳۳- فهرست سورت ها و آیت ها و کلمه ها و حرف ها و نقطه ها و سجده ها و... در قرآن. از ناشناس نخست دیباچه ای است، سپس جدول ها. (صص ۲۵۹-۲۶۴).

۳۴- پراکنده هایی در اختربینی، طلسم ها، لوح رویت ماه، نقشه قلعه خبیر، جدول اسماء ائمه (صص ۲۶۳-۲۷۰)

۳۵- حکم تقدیر از علیخان زنگنه بیگلربیگی آذربایجان، مورخ ۱۰۹۴ ق. که بعداً به جنگ افزوده شده است (صص ۲۷۱).

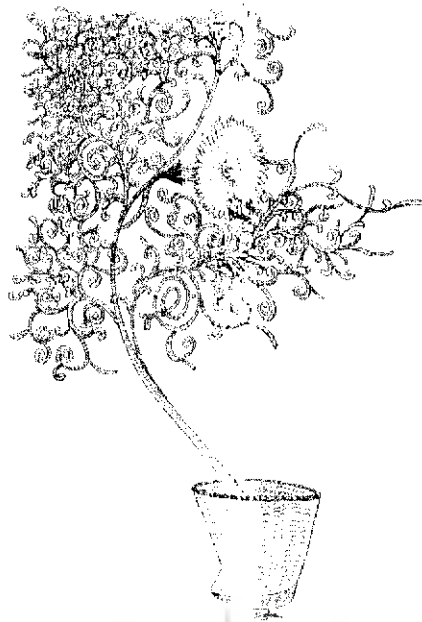
۳۶- نسب نامه و احوال پیامبر و دوازده امام (صص ۲۷۲-۲۷۸)

۳۷- نصایح حکماء (صص ۲۸۲).

۳۸- دوائر نجومی، دایره اقلیم سبعة.

۳۹- نامه از میرزا طاهر وحید قزوینی (د ۱۱۱۲ ق) به علیخان سردار آذربایجان (شاید شیخ علیخان زنگنه)، سپس «جواب راقم حروف که از جانب نواب معزی الیه» نوشته شده است. تاریخ نوشته ۱۰۹۲ ق در شهر گنجه است. آغاز: این قحط سال انسانیت، که بویی از گلشن آشنایی (صص ۲۹۸-۲۹۳).

۴۰- حکم جهان مطاع به صفی قلیخان متولی مشهدين و بیگلربیگی عراق عرب، درباره گذشت از تقصیر اسماعیل بیگ کلهر. (صص ۲۹۳).



طول و عرض نسبت به مکه از هشت قسم بیرون نباشد. (صص ۳۷۱-۳۷۴).

۴۹- خواص ماه مبارک، که عبارتند از عرق کوگرد است. (صص ۳۷۵-۳۷۹).

۵۰- داستان مرموز. آغاز افتاده (صص ۳۸۰-۳۸۶).

۵۱- خواص شراب و آداب شرباخیواری. از علی بن عبدالواسع منشی گیلانی در ۸ «فصل» ۱- در حرمت آن، ۲- در القاب و اسامی آن و تعریفاتی که شعراء و فضلا از آن کرده اند، ۳- در انواع و طریق ساختن اقسام آن، ۴- در آداب صحبت و اسباب مجلس آن، ۵- خواص منافع آن، ۶- فواید و منافع آن به حسب هر سن و فصل و مکان، ۷- مضرت های آن چون برخلاف قاعده و حکمت شرب شود، ۸- دفع مضرتها و رایحه آن. آغاز: ای از می شوق تو خرد رفته ز دست... نعمات حمد بیحد. (صص ۳۸۷-۴۱۵).

۵۲- و قفنامه مستغلات اصفهان. از شاه عباس یکم (۹۹۵-۱۰۳۷ ق)، مورخ ۱۰۱۳ ق. با گواهی گروهی: قاضی صدر جهان، اعتمادالدوله قورچی باشی، علیرضا خوشنویس، جلال منجم، غلامعلی قاضی اصفهان و قفنامه مستغلات است در اصفهان، از آن میان جملگی کاروانسرای واقع در صدر میدان نقش جهان، حمام شاهی و در همان حوالی، و جملگی نصف تمام از جمیع خانات و مستغلات و اراضی و باغات و جداول آنها و قنوت که در تصرف ایشان (شاه) در اصفهان و در خارج از آن و... آنگاه محل مصرف درآمدها و کسانی که از این ثواب (درآمدها) محرومند. مانند اسماعیل میرزا، وحید میرزا و مرحوم سلطان احمد میرزا و باقی صفویه که از ایشان بی حرمتی و خیانت نسبت به خانواده پدر سرزده، یا نسب خود را از خاندان شکسته و... و چون همه کنیزان بندگان آزادند. از ایشان در این قفنامه نام برده نشده» و همه جواهرات ایشان که به انعام گرفته دارایی ایشان است، کسی حق مداخله ندارد. آغاز: الحمدلله الذی وقف کل حامد فی موقف العجزاء تحمیدیه. (صص ۴۱۶-۴۲۵).

۵۲- رقم. رقم شاه صفی به صفی قلیخان شیرعلی قورچی باشی (صص ۴۲۹).

۵۳- صحت نامه. از خواجه عبدالقادر مراغه ای به آن چنانکه بر فراز نسخه آمده است. که بی تردید همان کمال الدین عبدالقادر بن غیبی، سده ۸ ق. نگارنده «الادوار» است که چهار بیت را به آهنگ و نت موسیقی در آورده است: به حمدالله که صحت داد، ایزد دلفگاری را - به عزت بر گرفت از خاک افتاده خاری را. آغاز: ای یار، ای جانم هی «به حمدالله که صحت ای هی، صحت داد، داده ای «داد» «ایزد» زده دلفگاری را» ای یار، ای جانم، هی کاری را آااااا آای آها آها همی دلفگاری را (صص ۴۳۹-۴۴۲).

۵۴- دیباچه بیاض. که «آقا ظهیر اسلمه الله» نوشته است، که بایستی ظهیرای تشریف فرزند ملا مراد باشد که تا پس از ۱۱۱۱ ق زنده بوده است. به نثر آمیخته به نظم. آغاز: تبارک الله احسن المخالفین، این چه لعبت موزون و پیکر همایون است، که کبکان

۴۱- منشات بی نام (صص ۲۹۴-۳۰۵).

۴۲- بحر طویل از مهربی عرب، سید علی جبل عاملی، متخلص به «سیده» و «مهری». شوخی و طنز است. که واژه های فارسی را پوشش عربی داده. آغاز: بر دمن ماست یغما همه اقمشه و امتعه الهی دو جهان (صص ۳۰۵-۳۰۸).

۴۳- بحر طویل ناشناس که شاید از شاهد نیشابوری باشد. منشا نشاء صهبای سخن نام کریمی است که... - نامه از بکان و پاسخ رستماری. دو نامه معروف.

۴۴- وصف قریه دوزان از بایندرینکا. آغاز: بر سواد خوانان صحیفه دانش و تاریک بیان جداول آفرینش (صص ۳۲۷-۳۲۵).

۴۵- سنورنامه که در میان خوانندگان و بندگان اشرف اقدس همایون اعلا واقع شده، به لفظ ترکی. آغاز: الحمدلله الذی جعل الصلح (صص ۳۳۱-۳۳۴).

۴۶- نامه. از میرزا محمد شفیع به میرزا حاتم وزیر قرا باغ. آغاز: تامدیر دستور ندابیر مهم کافه انام (صص ۳۳۵-۳۳۸).

۴۷- اختیارات الایام از مجلسی دوم، محمد باقر (د ۱۱۱۰ ق) از وی سه رساله بدین نام در دست هست، و این یکی در سه «فصل» و یک «خاتمه» است. آغاز: حمدلله. صلاه. اما بعد، چنین گوید احقر (صص ۳۳۹-۳۶۰).

۴۸- قبله. گویا از محمد مومن منجم، که سه رساله کوتاه، برای یادگار، در «جنگ مرتضی قلیخان» به قلم خود نوشته است: ۱- بلندای اشخاص، ۲- بلندای اشخاص به اسطرلاب، ۳- قبله در منابع در دسترس نشانی از هیچ یک به دست نیامد. آغاز: اما معرفت تعیین قبله، پوشیده نمانده که هر شهری در

۱- مثنوی معنوی، بندی از آن. (صص ۵-۶ هامش ۱ و ۲)

۲- مطلوب کل طالب. سخنان حضرت علی و برگردان منظوم از رشیدالدین وطواط، آغاز: لوکشف الغطا و... حال خلد و حجیم دانستم- به یقین آن چنانکه می باید (صص ۶-۱۸ هامش).

۳- نان و حلوا. از شیخ بهایی. (صص ۶-۲۷ هامش ۱).

۴- جبر و اختیار. از حکیم رنکاکاشانی (د ۱۰۶۶ ق). مثنوی داستانی، آغاز: داستانی دارم از خیرالبشر. (صص ۱۸-۲۱ هامش ۲).

۵- دو حکایت منظوم. (صص ۲۱-۲۶ هامش).

۶- دیوان ظفر. که همان مرتضی قلیخان شاملو است. با تخلص «ظفر» و گاهی «مرتضی»

سروده هایی است در قالب های گوناگون پراکنده در «جنگ». با دیباچه ای به نثر در (صص ۲۸ هامش ۱).

در آن می گوید: از کثرت صحبت با نیکان، این بیمقدار، مرتضی قلیخان شاملو، متولی آستانه شاه

صفی، گاهی برای رفع دلگیری، ایاتی به نظم درآورد، قریب بیست هزار بیت، از قصیده، غزل،

ترکیب، رباعی و مثنوی گرد آورده بود. گزیده ای از آن را در این مجموعه برای یادگار می آورم. سپس

چند غزل و دوبیتی و مثنوی. آغاز دیباچه: موزون ترین کلامی که غزل سرایان انجمن شوق.

آغاز غزل: به حمد خالقی سازم، زبان خویشتن گویا- آغاز مثنوی: شبی از غم جز زلف آشفته بودم.

نمونه ای از تخلص او: آورد «ظفر» باد صبا گردی از آن کوی- صحرائی دلم، دشت ختن گشته ز بویش

(صص ۵۴ هامش و پراکنده در جنگ)

۷- پراکنده ها. از سیف اسفرانک، نعمت الله (کرمانی)، ملا محسن فیض (کاشانی)، ملا

عبدالرزاق فیاض (کاشانی)، درویش غباری، بابافغانی، غباری در ستایش شیخ صفی، مربع ترکی

از فضولی، ظفر (شاملو)، صابیا، خطایی نقل از کشکول بهایی، مولوی، عطار، امیر خسرو،

میرزااسلمان، خاقانی، شیخ اوحدی، قاسم بیک حالتی، قاضی نور، نظیری، مولانا شرف،

بابانصیبی، حسن، اهلی، درویش دهلی، شکیبی مقصدی، ابوسعید ابوالخیر، ضمیری، غزالی،

ملک قمی، بابا خضر تبریزی، سیدمحمد جامه باف، احمد جامی مجدالدین بغدادی، شیخ

بهاءالدین، وطواط، مکتبی، میرزاابراهیم (صص ۱۶۴-۲۷۸)

۸- کلمات خواجه عبدالله هروی. به نظم. از همان مرتضی قلیخان شاملو، با دیباچه ای به نثر، که در آن

از خود به مرتضی قلی متوفی درگاه شیخ صفی یاد می کند. که سخنان خواجه هرات را به نظم درآورده

و هر فقره را با یک رباعی نیز موشح کرده است. نخستین رباعی: آنان که ترا چنانکه هستی دانند- عفا

صفتانند، از نظر پنهانند- یا رب که ز لطف خویش بر من بنما- جمعی که ترا بروز و شب می خوانند.

آغاز دیباچه: سپاس بقیاس خداوندی را

شو ای خامه گنج ریز به در سفتن الماس را دار تیز (صص ۳۲۱-۳۲۹)

۱۶- ارتفاع. از ناشناس. گویا محمد مؤمن منجم، در اندازه گیری بلندای چیزهایی که از راههای

معمولی نتوان اندازه گرفت. آغاز: حمدله. صلاه. اما بعد، مخفی نماند که چون خواهند که مقدار

ارتفاع مرتفعی از مرتفعات (صص ۳۲۸-۳۳۱ هامش).

۱۷- روضة المحبین: ده نامه. از ابن عماد خراسانی. حافظ علاءالدین محمد هروی (د ۸۰۰ ق).

مثنوی است. در ده نامه در بیان حالات عشق، که در ۷۹۴ ق. به پایان رسانده و چاپ شده است.

آغاز: الحمد للخالق البرایا (صص ۳۳۱-۳۵۰).

۱۸- بلندای اشخاص: ارتفاع گویا از همان محمد مؤمن (ش ۴۸) که برای یادگار در «جنگ» به خامه

خود نوشته است. در شناختن ارتفاع اشیاء از نقطه دید و طراز ساختن زمین و دیگر چیزها آغاز: طریق

ارتفاع با اسطرلاب، در ارتفاع آفتاب باید که اسطلاب را معلق سازند. (صص ۳۷۱-۳۷۴ هامش).

۱۹- نامه به فارسی از شیخ علیخان اعتمادالدوله (افشار). در پاسخ وزیر اعظم آخوندگار (عثمانی)

با انشای میرزا محمد رضا مجلس نویس. آغاز: لوامع اشراقات خطاب صواب همایون فال و

سواطع اشعه کتاب مستطاب (صص ۳۷۹).

۲۰- نامه ای به ترکی از غفران پناه بهادر خان قورچی باشی به نواب خان طوبی آشیان. آغاز:

بو کتاب مستطاب فرخ فال... ۲۱- پراکنده ها. جواب مسایل فقهی که شیخ بهایی

در پاسخ نواب اشرف نوشته (صص ۴۲۳-۴۴۴). منشآت آسیب دیده. حکایت های کوتاه از میر شیخ

حسن و دیدار سلطان ساوجی با او (صص ۴۵۱-۴۵۲)

طرز تنظیم جنگ جنگ مذکور به مانند نسخه های آرایه مند پاره ای از

نگارش های ادبی که در مراکز دیوانی و برای دیوانیان فراهم می شده مسطر خورده و مجدول

است. آرایه های هامش یکم و میان جدولها در نخستین ورق مناظر به گونه ای آرایه بندی و تذهیب

شده که بی گمان مذهب و آرایه پردازان اوراق ذهنیتی بسته به سنت معماری بقعه اردبیل می زیسته و به این

لحاظ، دو صفحه مناظر جنگ مورد بحث اهمیت فراوان دارد و پیوستگی ذهنیت نسخه آرایان را با

پدیده های معماری مشهودشان، نشان می دهد. اوراق جنگ چون آسیب دیده بوده است. سه طرف

بیرونی با کاغذ قهوه ای رنگ و طرف داخلی با کاغذ سفید رنگ وصالی شده است. جلد قبلی فرنگی ساز

و در نوع خود جلد ممتازی است. جلدی که جنگ در آن قرار دارد قطعاً متعلق به اصل نوشته نبوده

است. ظاهراً جنگ دارای جلد نفیسی بوده است که آن را جدا ساخته اند و همان اوقات موجب به هم ریختگی

و گم شدن تعدادی از اوراق آن شده است. نام هایی که به این نسخه داده شده

۱۵- دیباچه بیاض. ناشناخته با این سرآغاز: خرامان

□ جنگ شاملو، دومین نسخه از مجموعه نسخ ارزشمند کتابخانه

دایرة المعارف بزرگ اسلامی به شمار می رود که سال ۱۳۷۲ «باقر

ترقی» آن را معرفی و به کتابخانه اهدا کرد. سپس احمد منزوی

فهرستی از آن در مجله کلک منتشر کرد، به گمان منزوی، جنگ نسخه

منحصر به فرد است اما نگارنده پس از جست و جو نسخه دیگر از

آن را در کتابخانه مدرسه عالی مطهری به شماره ۲۹۳۱ یافت.

سزاست... آغاز متن: الهی این چه فضل است که با دوستان کرده که هر که ایشان را شناخت ترا یافت...

الهی این چه فضل است دوستان را- طفیل راه تو سازند جهان را. (صص ۱۷۱-۱۷۷ هامش).

۹- رباعیات گنجینه. از اهلی شیرازی (د ۹۴۲ ق). آغاز: ای سرو سنی خاک رهت وقت خرام

(صص ۲۰۳-۲۰۹ و ۲۳۰-۲۳۲).

۱۰- لیلی و مجنون: از مکتبی شیرازی (۹۱۶) بخشی از آن است (صص ۲۳۶-۲۴۰).

۱۱- شرح حرز حضرت امام جعفر صادق (ع) از ناشناس (صص ۲۵۹-۲۶۲).

۱۲- تاریخ جلوس شاه سلطان حسین (صص ۲۷۲).

۱۳- بحر طویل. از ولی قلی شاملو مستوفی سیستان سده ۱۱ ق. که به سفر حج رفته و در آنجا در

گذشته است. و شاهنامه ای در «وقایع شاه عباس» سروده است. نخست حمد و ستایش و لعن دشمنان

خاندان است. سپس حکایتی طنزآمیز به آقا کله چاقور، و آقاقلو سا سعادتلوا... آغاز: افتتاح سخن

آن به که کنند اهل کمالات، به نام ملک الملک (صص ۲۹۴-۳۰۶ هامش).

۱۴- هجو. از میر نجات صدارت پناه و به استقبال از محتشم «این چه شورش است که در خلق عالم

است». آغاز: ای صدر بی مثال که در روزگار تو- کار جهان و خلق جهان در هم است: نوشته ۱۰۹۷ ق

(صص ۳۰۹-۳۱۳).

شهریور و مهر ۸۵ - شماره ۲۴۰-۲۳۹

این نسخه توسط باقر ترقی به عنوان «جنگ» به کتابخانه دایرةالمعارف اهدا شد، اما محمد صفی کتابدار که کتابت دیباچه این مجموعه را به عهده داشته است از آن به نام‌های مجموعه، جریده یا مربع یاد می‌کند.

نوع خطوط جنگ

به اعتبار تاریخ خط جنگ مذکور و صرفاً از وجه نستعلیق شکسته تحریری در قرن ۱۱ سزوار تأمل است.

یکی از رساله‌ها بطوریک سره نویسی و تقریباً بدون نقطه و جاری از هرگونه علامت وقف نوشته شده است.

یادداشت نویس‌ها، عموماً نوشته‌ها را به حد متوسط قابل خواندن کتابت کرده‌اند. ولی چند مورد به خط ریزتر و کاملاً تحریری نوشته شده است.

در سراسر این جنگ نوشته‌های زیادی به شیوه چلیپایی کتابت شده است. خطوطی در این جنگ دیده می‌شود، که به صورت خط نسخ یا نسخ مانن و یا خط نستعلیق است.

از خطاطان معروفی که سال‌ها بعد در این جنگ کتابت کرده‌اند

- ۱- محمد مومن منجم ۱۰۸۹ ق، (ص ۳۷۴)
- ۲- محمد امین ابن سید محمد قاینی ۱۰۹۴ ق، (ص ۲۹۳)
- ۳- محمد شریف ابن مقصود ۱۰۸۲ ق، (ص ۲۵۷)
- ۴- فتح بن محمد حسین گیلانی الاصل تبریزی، ۱۰۹۷ ق (صص ۳۱۰-۳۲۵)

اهم تاریخ‌هایی که به خط خطاطان است

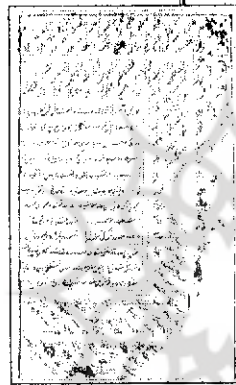
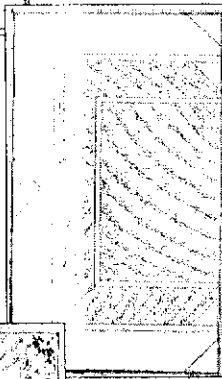
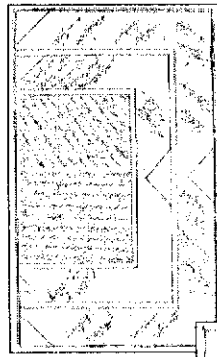
- ۱- نامه‌ای از میرزا طاهر مجلس نویس به خط محمد امین بن محمد قاینی.
- ۲- نامه‌ای از شیخ علی خان اعتمادالدوله در جواب وزیر اعظم آخوندگار به خط میرزا محمدرضا مجلس نویس.

۳- نامه از بکان و پاسخ رستم‌داری به خط فتح بن محمد حسین گیلانی الاصل تبریزی.

غلط‌های کتابتی

برخی از غلط‌های کتابتی از این قبیل است:

- ابریغ = ابریق
خاموش = خاموش
ذورق = زورق
ویژگی‌های املائی
- ۱- گذاشتن سه نقطه زیر حرف «س»
 - ۲- گذاشتن دو نقطه زیر حرف «ی»
 - ۳- یکسان نوشتن حرف «ک» و «گ»، «ج» و «چ» «ب» و «پ»
 - ۴- به عربی نوشتن بعضی اسم‌های خاص: اسمعیل، اسحق
 - ۵- کشیدگی بعضی حروف: قال
 - ۶- گذاشتن علامت «...» بین دو مصراع یا دو بیت
 - ۷- گذاشتن رکابه برای زودبایی مطلب، اما به صورت بسیار محدود.



برابر است به عمر هزار ساله ما
به خاک سینه ما تا نسیم درد وزید
شکفته شد گل نسرین ز داغ لاله ما
و آخرین کلام این که مرتضی قلی خان شاملو نیز
چون هر عاشق دل سوخته دیگر، چنانچه در
اشعارش پیدا است دلش لبریز از شوق وصال و
چشمش به راه معبودی است که سرتاسر وجودش
غرق نور است و صفای قدمش از جنس بلور، دلش
در انتظار ظهور می‌تپد و بی پروا می‌گوید:

آرزوی مهدی آخر زمان دارد دلم

همچو بلبل ناله بهر گلستان دارد دلم

تا کنم جان را تثار مقدم آن شاه دین

روح در پرواز سیر لامکان دارد دلم

وقت آن آمد که از عارض بر اندازد نقاب

این خبر از گردش هفت آسمان دارد دلم

(ص ۶۲ - هامش)

و تا پایان عمر هم، کاسه سر خود را پر ز صدای عشق
می‌داند و لبش با این بیت مترنم می‌شود که:

چه نغمه بود ندانم نواخت مطرب عشق

که کاسه سر ما خاک گشت و پر ز صداست

* این اثر که به «جنگ مرتضی قلی شاملو»

شهرت دارد به صورت نسخه خطی در کتابخانه
دایرةالمعارف به شماره ۱۵۰۰ و در کتابخانه
سپهسالار به شماره ۲۹۳۱ موجود است. نگارنده با
فراهم آوردن این دو نسخه در حال مقابله و تصحیح
است.

منابع

- ۱- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، ۵، جلد ۵، فردوس، تهران، ۱۳۶۹.
- ۲- مایل هروی، نجیب، «نسخه برگردان جنگ شاملو»، نامه بهارستان، سال پنجم، شماره اول و دوم، دفتر ۷ و ۹، بهار و زمستان ۱۳۸۳، ص ۳۷۱.
- ۳- یوسف جمالی، محمد کریم، تشکیل دولت صفوی، امیرکبیر، اصفهان ۱۳۷۲.
- ۴- صبا، محمد ظفر حسین بن محمد یوسف علی، تذکره روز روشن، کتابخانه رازی، تهران، ۱۳۲۳.
- ۵- نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، تصحیح وحید دستگردی، تذکره نصرآبادی، کتابفروشی فروغی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۶- خام پور، فرهنگ سخنوران، طلایه، تهران، ۱۳۴۰.
- ۷- هدایت، رضاقلی خان، به کوشش مظاهر مصفا، مجمع الفصحا، ج ۱، بیروز، تهران، ۱۳۶۲.
- ۸- هدایت محمود، گلزار جاویدان، ج ۳، زیبا، تهران، ۱۳۵۳.

نتیجه

به نظر نگارنده این مقاله، آنچه در مجموعه جنگ شاملو نظرگیر و قابل تأمل است، گذشته از بیان بسیاری از مطالب و اشعار دست کاری شده، به سبب تعصبات مذهبی شیعی حاکم بر آن روزگار، که در برخی از موارد حتی توهین و لعن علنی نیز شده و حقیر به سبب رعایت ادب و دوری از اختلاف و حفظ وحدت از ذکر آن گونه مطالب، خودداری می‌نمایم. لیکن از شخصیت و هنرمندی مرتضی قلی خان که صاحب سیف و قلم بوده نمی‌توان گذشت. در غزلسرای با آن که در دوره صفوی چندان بازار و رونقی نداشته اما در نوع خود از تازگی خاصی برخوردار بوده است؛ اگر چه در بسیاری از اشعارش تقلید از بزرگانی چون: حافظ، نظامی، مولانا و... نموده که در پایان نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کنیم.

باده در پیمانه کردی عاقبت

عقل را دیوانه کردی عاقبت

جام می ز ساتی دورانم آرزوست

کاو خضر ره که چشمه حیوانم آرزوست

زندگی در غم جمعیت اسباب گذشت

حیف از این عمر گرنامه که در خواب گذشت

دمی که جام وصال شود حواله ما